می‌کردند. ولی من هیچ‌کدام را نتوانستم ببینم. ایرانیان حتی حاضر نیستند سؤالی درباره زنانشان بشود.».

**● نگاه کردن زنان از پشت بام**

جالب اینجاست که این افسر فرانسوی که به زمان فتحعلیشاه قاجار به ایران آمده بود منبع توصیفات خود از لباس اندرونی زنان ایران را اینچنین بیان می‌کند:«... خوشبختانه گاهی که در پشت بام منزلم قدم می‌زدم، زنی را در حیاط منزلش می‌دیدم. ولی این در صورتی بود که نگهبانش حضور نداشت وگرنه فوراً او را مجبور می‌کرد داخل منزل شود و گاه او را با ترکه می‌زد...».

**● فرصتی طلایی برای زنان فرنگی**

اما در این میان زنان اروپایی که گاه تنها و گاه با همسران خود به ایران سفر کرده بودند فرصت طلایی داشتند تا اطلاعات و مشاهدات خود از دنیای اندرونی زنان را در سفرنامه‌ها و نوشته‌های خود بیان کنند که از جمله آنان «لیدی شیل» همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل حکومت ناصرالدین شاه است. زنی که در کنار دیگر زنان سفرنامه‌نویس فرنگی چون «الیزابت بیشوپ» «کلارا رایس» «مادام دیالافوآ» «کارلا سرنا» و چندین نفر دیگر چنین فرصتی یافته بود تا از نزدیک با زندگی درون خانه زنان ایرانی آشنا شود.

**● حیرت زنان از لباس خواب**

این بانوی انگلیسی درباره چگونگی پوشاک خواب زنان نوشته است: «... تقریباً همه زن‌های ایرانی از وجود...«رسم پوشیدن لباس خواب» در بین ما حیرت می‌کردند و به هیچ‌وجه نمی‌توانستند به خود بقبولانند که یک زن می‌تواند شب، موقع خواب لباس‌هایش را درآورد و با لباس خواب به بستر برود. زیرا آنها فقط موقعی لباس از تن می‌کنند که قصد حمام گرفتن داشته باشند وگرنه زن‌های ایرانی به هنگام خواب چادر شبی را که در کنار دیوار قرار دارد باز می‌کنند و با همان لباس معمولی در روی تشکی که بر زمین پهن کرده‌اند می‌خوابند...».

**● زیاده‌روی در لباس‌های ساق نما**

«مادام کارلا سرنا» نیز از جمله جهانگردان زن ایتالیایی است که به زمان ناصرالدین شاه به ایران سفر می‌کند و در نوشته‌های خود به نکته جالب و حتی بامزه‌ای از پوشیدن دامن‌های خیلی کوتاه یا همان مینی‌ژوپ در میان زنان دربار و حرمسرا اشاره می‌کند. چنانکه که به گفته خودش: «همانقدر که وضع پوشیدن لباس‌های سینه‌باز گاهی در اروپا به افراط گراییده است در تهران نیز پوشیدن لباس‌های بالای زانو و ساق‌نما میان خانم‌ها متداول شده است...به‌طوری که می‌گویند این نوع مد لباس از طرف مادر ناصرالدین شاه رایج شده است...».

**● شلیته‌ها کوتاه‌تر از مینی‌ژوپ‌ها**

داستان مد شدن این دامن‌های کوتاه نیز برای خود جذاب است و البته قابل تأمل، به‌گفته مادام کلارا، مادر شاه بعد از دیدن تصویری از یک نمایش بالـه، از نحوه لباس و آرایش آن زنان خوشش آمده و خواسته است که تحولی در پوشش زنان در ایران ایجاد کند که به این ترتیب شلیته‌های دامن کوتاه در محافل زنانه رایج شده، تا جایی که حتی قد آن دامن‌ها بیشتر از نمونه اصلی آن روز به روز کوتاه‌تر می‌شود. در بسیاری از عکس‌های روزگار ناصرالدین شاه می‌توان نمونه‌هایی از این شلیته‌ها در تن زنانی که شاه از آنان عکس گرفته است، مشاهده کرد.

**● لذت شاه از تماشای رقاصه‌ها**

البته اینکه این دامن‌ها و لباس‌های جدید چگونه به مرور زمان در میان زنان مد می‌شود روایت‌های دیگری هم از نوشته‌های دیگر سیاحان شده است. برای مثال «هانری دالمانی» تاریخ‌نویس فرانسوی معتقد است: «... از وقتی که ناصرالدین شاه در تاریخ ۱۸۷۳ میلادی از سفر اروپا مراجعت کرد این لباس را در اندرون خود معمول نمود. شاه ایران در مدت اقامت در اروپا به تئاترها و سیرک‌ها می‌رفت و از تماشای رقاصه‌ها با آن لباس‌های مخصوص لذتی می‌برد...».



**لباس زنان شهری نیز بسته به سن، طبقه اجتماعی و میزان روشنفکری زنان و خانواده‌های آنان فرق داشته است. دامن‌های کوتاه معمولی دیگر کمتر مورد استقبال قرار می‌گرفته است. همراه دامن‌هایی با پشت برجسته، شلوارهایی بلند و تنگ سیاه یا سفید به پا می‌کردند. چارقد زنان شهری مرفه، آهاردار و از جنسی نازک‌تر و حتی ابریشمی بوده است و در کنار داشتن انگشتر و گردنبد، طلسم و دعاهایی را نیز همیشه با خود همراه داشتند**

**● اسراف در خرید پارچه‌های گرانبها**

به‌گفته این سیاح آلمانی در موقع بازگشت، ناصرالدین شاه امر کرد که تمام زنان حرمش به چنین لباس‌هایی ملبس گردند، که در نتیجه آن بتدریج زنان اعیان و اشراف هم از آنان تقلید کردند و این لباس در ایران معمول شد. نکته جالبی که دالمانی در کنار این مسأله به آن اشاره می‌کند اسراف زیاد زنان حرمسرا در خرید پارچه‌های گرانبهای فرانسوی و دیگر کشورها برای دوختن لباس‌هایشان است که البته بعد از دوختن، بیشتر از ۴ یا ۵ دفعه آن را نمی‌پوشیدند و در نهایت به خدمتکاران خود می‌بخشیدند.

**● فریاد شوهران از بی‌بند و باری**

نکته‌ای را که این تاریخ‌نویس فرانسوی به آن اشاره کرده است «دکتر پولاک» پزشک مخصوص ناصرالدین شاه نیز در نوشته‌های خود آورده است: «... در اثر زیادی زیرجامه‌ها و جامه پرچین روی آنها، لباس خانم‌ها به‌صورت لباس پف کرده درمی‌آید. بی‌بند و باری در مصرف پارچه و تجملی که بخصوص در مورد این لباس به کار می‌رفت فریاد شوهران را به آسمان رسانید تا بالاخره دولت ناگزیر شد محدودیت‌هایی قانونی برای آن وضع کند...».

**● مد شدن مدهای نوین اروپایی**

کلارا رایس نیز مانند تمام زنان اروپایی که با توجه به زن بودنشان از نزدیک فرصت شناخت زنان ایران و کشف دنیای اندرونی آنان را داشتند، در کتاب خود بخشی را به روایت چگونگی لباس زنان اختصاص داده است و به مد شدن سبک و نمونه‌های متفاوتی از پوشش زنان نسبت به دوره ناصرالدین شاه اشاره می‌کند:«... امروزه مدهای نوین اروپایی راه خود را باز کرده‌اند و تغییرات سریعی در حال روی دادن است...».

**● زنان روستایی با دامن‌هایی بلند**

این بانوی انگلیسی که همسر یکی از مسیونرهای ساکن جلفای اصفهان بود در این بخش از کتاب خود درباره چگونگی پوشش زنان روستایی، زنان شهری، زنان طبقه فرادست و زنان طبقات مرفه می‌نویسد که هر کدام چه لباس‌هایی به تن می‌کردند. زنان روستایی در روزگار آخرین شاه قاجار یعنی احمد شاه، دامن‌های نسبتاً بلندی می‌پوشیدند که گاه آنها را با نوارهای قلاب‌دوزی و سوزن دوزی یا آرایش لبه دامن‌ها تزئین می‌کردند.

**● چارقدهایی از چیت ساده یا گلدار**

به گفته خانم رایس این زنان ساده و زحمتکش در خانه اغلب پا برهنه بودند و به ندرت کفش می‌پوشیدند. پیراهنی نخی و چسبان به رنگ سفید یا قرمز و جلو باز روی دامن پوشیده و نیم تنه‌ای از جنس ضخیم‌تر که لایه‌دار بود روی پیراهن به تن می‌کردند و به جای کلاه، چارقدهایی از چیت ساده یا گلدار چه در خانه و چه در بیرون همیشه به سر داشتند و زیر چانه سنجاق می‌زدند.

**● از مد افتادن دامن‌های کوتاه**

لباس زنان شهری نیز بسته به سن، طبقه اجتماعی و میزان روشنفکری زنان و خانواده‌های آنان فرق داشته است. دامن‌های کوتاه معمولی دیگر کمتر مورد استقبال قرار می‌گرفته است. همراه دامن‌هایی با پشت برجسته، شلوارهایی بلند و تنگ سیاه یا سفید به پا می‌کردند. چارقد زنان شهری مرفه، آهاردار و از جنسی نازک‌تر و حتی ابریشمی بوده است و در کنار داشتن انگشتر و گردنبد، طلسم و دعاهایی را نیز همیشه با خود همراه داشتند.

**● علاقه شدید به لباس‌های اروپایی**

کلارا رایس با مقایسه لباس زنان هر طبقه در جامعه آن روز ایران معتقد است که بسیاری از زنان ایرانی به لباس‌های زنانه اروپایی علاقه شدیدی نشان می‌داده‌اند و حتی در خانه از آنها استفاده می‌کردند. البته در کنار نقدی که خانم رایس بر نوع پوشیدن ناهماهنگ لباس‌های اروپایی بر تن زنان ایرانی دارد، اما در کل بر این باور بوده است که بسیاری از آن زنان خوش‌پوشند و می‌توانند از ترکیب لباس‌های ایران و اروپایی به زیبایی استفاده کنند.

**● تهران و مغازه‌های زنانه‌دوزی**

این بانوی فرنگی در نهایت بعد از توصیف از چند نمونه این نوع لباس‌ها در تن زنان ایرانی، می‌نویسد: «... از سوی دیگر بسیاری از آنان خوش‌پوشند و لباس‌های ابریشمی و چیت موصلی زیبا با کت و دامن‌های پشمی به اندازه‌های معقولی به تن می‌کنند. در تهران مغازه‌های زنانه‌دوزی نیز وجود دارد و اغلب زنان ثروتمند بسیار خوش پوشند. اغلب از من خواهش شده است که یک دست از آخرین لباس‌های لندنی خود را به خانم‌های اندرونی امانت دهم تا آن را امتحان کنند و اگر برازنده آنان بود آن را الگو قرار دهند...».

**منابع:**

۱. کلارا کولیور رایس، اسدالله آزاد، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، تهران، نشر کتابدار، ۱۳۸۳
۲. میترا مهرآبادی، زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی، تهران، نشر روزگار، ۱۳۷۹
۳. بنفشه حجازی، تاریخ خانم‌ها (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار)، تهران، قصیده‌سرا، ۱۳۸۸
۴. مریم رضایی عاملی، سفر دانه به گل، سیرتحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۹
۵. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه (۱۲۹۲تا ۱۳۱۳ق)، تهران، انتشارات امیرکبیر
۶. دوستعلی خان معیرالممالک، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱
۷. سایت دنیای زنان قاجار
۸. سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۹. سایت قاجاریه یادداشت‌هایی از فاطمه قاضی‌ها
http://ghaziha.kateban.com
۱۰. سایت تاریخ ایرانی
http://tarikhirani.ir
۱۱. سایت پرتال جامع علوم انسانی
http://ensani.ir

زهره شریفی

مورخه ۱۰ اسفند ماه ۹۷